

۹۰

# تکبیر

## گزیده بیانات حجت الاسلام والمسلمین خضری

خطبه‌های نماز جمعه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱



سازمان مجامع قرآنی



نشریه ذکر جمعه  
با هدف انتشار گزیده بیانات  
ائمہ جمعہ قزوین در خطبہ‌های  
نماز جمعه، ہر ہفتہ بہ صورت  
الکترونیکی از طریق شبکہ‌های اجتماعی  
ستاد نماز جمعه منتشر می‌گردد.  
لازم بہ ذکر است متن بیانات ائمہ  
محترم جمعہ، با حذف و اضافات و  
ویرایش ہمراہ است و سعی شدہ  
است جهت مطالعہ و بہرہ جویی  
ہرچہ بہتر مخاطبین گرامی،  
اہم محورہا ارائہ گردد.

## خطبه اول

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي  
نِعْمَاءَهُ الْعَادُّونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ،  
الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بُعْدُ الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ،  
الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَلَا نَعْتٌ مَوْجُودٌ  
وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ. فَطَرَ الْخَلَائِقَ  
بِقُدْرَتِهِ وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ بِرَحْمَتِهِ.<sup>۱</sup>

ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ  
العالمين، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى  
آلِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا قَائِدِنَا وَآمَامِ زَمَانِنَا رُوحِي  
وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ.  
او صيكم ونفسي بتقوى الله.

۱. خطبة ۱ نهج البلاغه؛ ترجمه: خدای را سپاس که گویندگان به عرصه ستایشش نرسند، شماره‌گران از عهده شمردن نعمت‌هایش برنیایند و کوشندگان حشش را ادا نکنند. خدایی که اندیشه‌های بلند او را درک نکند و هوش‌های ژرف به حقیقتش دست نیابند. خدایی که اوصافش در چهارچوب حدود ننگند، به ظرف و صف درنیاید و در مدار وقت معدود و مدت محدود قرار نگیرد. با قدرتش خلایق را آفرید، با رحمتش بادها را وزیدن داد و اضطراب زمینش را با کوه‌ها مهار کرد.



## دعوت به تقوا



خودم و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. مقوله تقوا، صرفاً مقوله دانشی نیست؛ بلکه اساساً مقوله‌ای مهارتی است. یعنی بیش از دانش، به تمرین نیاز دارد. دانش مقدمه تقواست. ماه مبارک رمضان آغاز تمرین تقوا بود. کسانی که بعد از ماه مبارک رمضان توفیق پیدا می‌کنند، این مهارت و مراقبه را ادامه بدهند، موفق می‌شوند به ملکه تقوا [دست پیدا کنند]. مثل راننده‌ای که در ابتدای رانندگی فرمان را دودستی می‌گیرد و به کلاچ و دنده فکر می‌کند؛ اما بعد از مدتی، قدرت این را پیدا می‌کند که بدون توجه به این ابزار رانندگی کند. تقوا هم از این مقوله است. ان شاء الله خدای متعال به همه ما توفیق عنایت کند که سرمایه تقوا را که در ماه مبارک رمضان [برای کسب آن] تمرین کردیم، حفظ کنیم.

## ثمرات پیروی از خشنودی خدا

خدای متعال در آیه ۱۶ سوره مائده، سه ثمره را برای تبعیت از رضوان و خشنودی خود ذکر می‌کند:





﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ  
وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى  
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

کسی که وقتی امر بین منافع مادی اش و رضایت خدا دایر شود، از خشنودی خدا تبعیت می‌کند. به آقای بهجت گفتند: سفارشی به ما بکنید. فرمودند: هر کاری خواستید بکنید، رضایت خود را در نظر نگیرید. ببینید رضایت خدا در چیست.

این آیه سه ثمره برای تبعیت از رضوان الهی [بیان می‌کند]، به‌ویژه در جایی که درگیری پیش می‌آید. خیلی اوقات بین خشنودی خدا و خشنودی ما درگیری وجود ندارد: خدا راضی است و ما هم راضی هستیم؛ اما گاهی درگیری پیش می‌آید.

آیت‌الله بهجت درباره حضرت آیت‌الله حق‌شناس می‌فرمودند: وجود ایشان در تهران ((آمان)) است. رحمت و درود خدا بر این عالم فرزانه باد. ایشان پدر نداشت. در نوجوانی در حجره دایی خود در بازار



۱. خداوند به‌وسیله آن، کسانی را که خشنودی او را دنبال می‌کنند به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود که تأمین‌کننده نیک‌بختی آن‌هاست و آنان را در پرتو علم خود از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به سوی روشنایی می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند.



شاگردی می‌کرد و حقوق خوبی می‌گرفت. دایی ایشان [روزی] ایشان را فرستاد که برای ظهر کباب بگیرند. در صف شلوغ کبابی وقتی نوبتشان رسید، صدای اذان را شنید. به [صاحب] کبابی گفتند: نوبت مرا نگو که دارم که برای نماز به مسجد بروم. [صاحب] کبابی عصبانی شد و گفت: [نوبت] نگو نمی‌داریم. باید ته صف بایستی. [این یعنی] درگیری بین رضایت خدا و منافع.

ایشان پذیرفت. نمازش را خواند و برگشت در انتهای صف ایستاد. پس از تأخیری که داشت، وقتی برگشت، دایی اش توی گوشش زد و گفت: چرا دیر آمدی؟! گفت: نماز دیر می‌شد. رفتم نماز را بخوانم. بین کباب و نماز، نماز را انتخاب کردم.

ایشان رضایت خدا را در نظر گرفت. خدای متعال می‌فرماید: ما [هم در مقابل] سه تا کار می‌کنیم:

۱. ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ...﴾<sup>۱</sup>: او را وارد جاده‌های امن و سلامت می‌کنیم. علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: [منظور از] هدایت فقط راهنمایی نیست که خدا بگوید: جاده اینجاست





یا از اینجا بروید. ((يَهْدِي)) یعنی شما را می‌برد. مثل [اینکه] کسی که آدرس می‌دهد. کس دیگری هم می‌گوید: من تو را به آنجا می‌برم. او را سوار [ماشین] می‌کند و می‌رساند. خدا [هم] ما را [به مقصد] می‌رساند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

مفسرین ما، [از جمله] علامه طباطبایی می‌فرمایند: اعمال صالح ((سُبُل)) اند که در دل صراط مستقیم هستند. ((صراط مستقیم)) یکی است. در تفکر قرآن ((صراط‌ها)) ی مستقیم وجود ندارد. شنیده‌اید که آن آقا کتاب صراط‌های مستقیم را نوشت.

قرآن یک صراط دارد؛ اما سُبُل متفاوت است. مثل اتوبان کرج که شش بانده است. همه فضایل و اعمال صالح، مثل جهاد، روزه، مواسات و توأسی، باندهای این اتوبان هستند. ممکن است یکی برای مواسات، یکی برای جهاد یا یکی برای عبادت توفیق

۱. کسانی که در آنچه مربوط به ماست، با تمام وجود تلاش کرده‌اند و هیچ‌گاه از ایمان و اطاعت بازمانده‌اند، قطعاً آنان را به راه‌هایی راهنمایی می‌کنیم که به ما منتهی می‌شود. به راستی که خداوند با نیکوکاران است و رحمت و عنایت خود را بر آنان می‌گستراند (عنکبوت: ۶۹).





بیشتری داشته باشد؛ اما همه در صراط مستقیم حرکت می‌کنند.

۲. ﴿...يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾: این صراط مستقیم چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَأَنَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَأَنَا الْحُجَّةُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ بَعْدَ رَسُولِهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» من صراط مستقیم هستم. یعنی اگر کسی در درگیری‌ها بین نفس خودش و خدا، خدا را انتخاب کند، خدا دست او را در دست امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گذارد و وارد سُبُل می‌کند.

۳. ﴿...وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ...﴾: او را از تاریکی‌ها وارد نور می‌کند. این هم حوزه شخصی و هم حوزه امتی دارد. قرآن می‌گوید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾<sup>۲</sup>

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، به سعی علی‌اکبر غفاری، ج ۱، تهران: الصدوق، ۱۳۹۷، ص ۱۶۵؛ ترجمه: پس از رسول راست‌گو و امین علیه السلام من ریسمان محکم خدا، راه مستقیم و حجت خدا بر همه آفریدگان او هستم.

۲. ای پیامبر، ما تو را به رسالت فرستاده‌ایم؛ چنان‌که یقیناً موسی را با نشانه‌های خود (معجزاتی که به او دادیم) به رسالت فرستادیم و به او گفتیم: قوم خود را از تاریکی‌های گمراهی برون آور و به سوی نور هدایت روانه ساز و روزهای الهی را به آنان یادآوری کن که حاکمیت خدا بر همه اسباب و عوامل آشکار شد. قطعاً در هریک از آن‌ها، برای هرکسی که در بلاها بسیار شکیبا و در برابر نعمت‌های الهی بسیار سپاسگزار باشد، نشانه‌هایی بر یکتایی خداست (ابراهیم: ۵).





به موسی دستور دادیم که قوم خود را [از تاریکی‌ها به سوی نور] خارج کن. پس گاهی اوقات فردی از ظلمت بیرون می‌آید و به سوی نور می‌رود. اما اگر هم امتی از رضوان [خدا] تبعیت کند، از ظلمت خارج می‌شود. بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی و حضرت روح‌الله خمینی کبیر رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ این بود که امت ما را از ظلمت به نور، از شرک به توحید و از ظلم به عدل خارج کرد. هنوز نتوانسته‌ایم عدل را به صورت کامل محقق کنیم؛ اما از فساد به صلاح، از بندگی طاغوت به بندگی خدا، از ولایت طاغوت به ولایت الله و از بدعت‌ها به سنت خارج شدیم.

## بدعت نوازندگی در آرامستان‌ها

بدعت‌های زیادی داشتیم که از آن‌ها خارج شدیم. البته باید مراقبت کنیم که بدعت‌ها زنده نشوند. متأسفانه آرامستان‌های ما امروز به شلوغستان ساز تبدیل شدند. این بدعت است. در روایت داریم: در تشییع جنازه با همدیگر سلام علیک هم نکنید. همه جا احوال‌پرسی مستحب است؛ اما در تشییع جنازه احوال‌پرسی نکنید. چون محل تذکر است.



سازمان تبلیغات زحمت می‌کشد. امیدواریم دستگاه‌های مرتبط جلوی بدعت [را بگیرند]؛ چون الان اگر جلوی بدعت را نگیرید، ده سال دیگر قطعاً نمی‌توانید. این یک قاعده است که هر بدعتی را در نطفه باید زد؛ چون وقتی تنومند شود، دیگر قدرت پیدا می‌کند و ریشه‌کن کردن آن مشکل می‌شود. امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ ما را از بدعت‌ها به سنت و از توأسی به باطل به توأسی به حق وارد کرد.

## حضرت مسلم بن عقیل؛ مصدق پیروی از رضوان الهی

طبق تاریخ، فردا<sup>۱</sup> روزی است که حضرت مسلم بن عقیل وارد کوفه شد. حضرت مسلم بن عقیل مصداق این آیه است: ﴿... مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ ...﴾. مسلم بن عقیل نه بین حرام و دنیا، بلکه بین دل خودش و رضایت خدا، رضایت خدا را انتخاب کرد. [خواست] دل مسلم بن عقیل چه بود؟ او از بنی‌هاشم است و می‌دانست سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام در کربلا به شهادت می‌رسد. آرزو داشت کنار سیدالشهدا و در



رکاب سیدالشهدا علیه السلام به شهادت برسد؛ اما رضایت خدا را انتخاب کرد. رضایت خدا در این بود که مسلم بن عقیل وارد کوفه شود و در آنجا به شهادت برسد. به [شهید] عباس بابایی گفتند: [موسم] حج است. گفت: دلم می‌گویند: به زیارت برو؛ اما خدا می‌گوید: بمان و عملیات انجام بده. گاهی در زیارت‌رفتن‌های ما خشنودی خدا نیست. حتی ممکن است گاهی در اربعین رفتن ما رضایت خدا نباشد.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وآله: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ لَتُحِبُّ عَقِيلًا؟» قَالَ: «إِي  
وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّهُ حُبِّينِ: حُبًّا لَهُ وَحُبًّا لِحُبِّ أَبِي طَالِبٍ  
لَهُ. وَإِنَّ وَوَلَدَهُ لَمَقْتُولٌ فِي مَحَبَّةٍ وَوَلَدِكَ، فَتَدَمَعُ  
عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ، وَتُصَلِّي عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ  
الْمُقَرَّبُونَ.» ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
حَتَّى جَرَّتْ دُمُوعُهُ عَلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: «إِلَى اللَّهِ  
أَشْكُو مَا تَلَقَى عِزَّتِي مِنْ بَعْدِي.»<sup>۱</sup>

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الامالی، ج ۱، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸؛ ترجمه: علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا، شما عقیل را دوست دارید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری به خدا، او را به دو سبب دوست دارم: یکی به خاطر خودش و دیگری به خاطر آنکه ابوطالب او را دوست می‌داشت. همانا فرزند او، در راه محبت و دوستی فرزند تو کشته خواهد شد، دیدگان مؤمنان برایش خواهند گریست و فرشتگان مقرب بر او درود می‌فرستند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله چندان گریه کرد که



مقام مسلم بن عقیل به جایی رسید که قبل از خلقت و تولد او، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند: شما عقیل را دوست دارید؟ فرمود: بله، او را از دو جهت دوست دارم: یکی برای خودش و یکی هم برای اینکه ابوطالب او را دوست داشت. سپس فرمود: علی جان، پسر عقیل در راه محبت فرزند تو به شهادت می‌رسد. روزی می‌آید که مؤمنان تا قیامت برای او گریه می‌کنند. [سپس] پیامبر شروع کردند به گریه کردن بر مسلم بن عقیل. درود و رضوان خدا بر این سرباز باوفای سیدالشهدا علیه السلام که به دنبال رضایت خدا بود و خدای متعال او را به صراط مستقیم، صراط امیرالمؤمنین علیه السلام هدایت کرد.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾  
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ  
وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

اشک‌هایش بر سینه‌اش جاری شد. آنگاه فرمود: به خدا شکوه می‌کنم از ستم‌هایی که پس از من به عترتم می‌رسد.



## خطبه دوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى  
سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا عَلِي  
اميرالمؤمنين وحبیبته الزهرا والحسن والحسين  
سَيِّدَى شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَعَلِي بْنِ الْحُسَيْنِ  
وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ  
جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ  
بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَالْحُجَّةَ  
الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.  
اوصيكم عباد الله ونفسي بتقوى الله.

## دعوت به تقوا

خودم و شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.  
تقوای الهی سرمایه بی‌بدیل ماه مبارک رمضان  
است. بر همه ما لازم است مخصوصاً در روزهای  
ابتدایی همین ماه که شیاطین آزاد می‌شوند و از بند





خارج می‌شوند، مراقبت ویژه داشته باشیم. حضرت آیت‌الله جوادی آملی دربارهٔ ابلیس و شیاطین تعبیر زیبایی دارند. ایشان می‌فرمایند: این‌ها سگ‌های معلّم هستند. سگ‌هایی هستند که جلوی باغ بسته می‌شوند و وقتی غریبه‌ای وارد باغ یا حتی نزدیک آن می‌شود، شروع می‌کنند به پارس کردن. اما همین که احساس می‌کنند کسی با صاحب‌خانه آشناست، دیگر پارس نمی‌کنند و آرام می‌گیرند. این یک قاعده است. پارس کردن این سگ‌ها برای غریبه‌هاست. اگر کسی با صاحب‌خانه یعنی خدای متعال آشنایی و انس داشته باشد، شیطان آرام می‌گیرد و به او نزدیک نمی‌شود. دیگر جرئت حمله کردن هم پیدا نمی‌کند. ان شاء الله با صاحب‌خانه آشنا شویم و انس بگیریم.

## جهاد ترکیبی و لزوم نقش‌آفرینی مقتدرانه ستادفرماندهی

در هفتهٔ گذشته، گرانی آرد به مسئله‌ای پرجریان تبدیل شد و به‌ویژه در فضای مجازی چالش‌هایی ایجاد کرد. از این فرصت استفاده می‌کنم و مسئله‌ای را هم



به دولت محترم انقلابی و هم به دل‌سوزان عرض می‌کنم. حضرت آقا می‌فرماید: ما در جنگ ترکیبی هستیم. جنگ ترکیبی یعنی جنگی که اتاق اقتصادی، اتاق روانی، اتاق امنیتی و ستاد فرماندهی دارد. ما هم متقابلاً در جبهه حق به ستاد فرماندهی جهاد ترکیبی نیاز داریم. یعنی اشتباه است که در جنگ ترکیبی صرفاً اتاق اقتصادی تصمیم بگیرد؛ بلکه باید قرارگاه جهاد ترکیبی داشته باشیم که مقتدر باشد. دولت محترم قطعاً این اتاق و قرارگاه را دارد؛ اما مطالبه این است که قدرت او در این جنگ ترکیبی افزون شود. وقتی تصمیم اقتصادی می‌گیریم، طبیعتاً باید در کنار آن حوزه رسانه، حوزه اقناع نخبگان جامعه و حوزه اقناع مردم در این تصمیم‌گیری حضور داشته باشد. این‌ها خیلی مهم است.

## سخنی با دولت: اوضاع را برای مردم توضیح بدهید

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته‌اند، نکته‌ای راهبردی را به مالک گوشزد





می‌کنند: «وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا فَأُصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ، وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِأُصْحَارِكَ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ، وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ، وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ.»<sup>۱</sup> کلمه «گمان» را در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک جست‌وجو کنید. حضرت به گمان مردم نسبت به حاکمیت خیلی اهمیت می‌دهند و در چندین قسمت از این نامه [بر آن تأکید کرده‌اند]. یعنی خیلی مهم است که مردم درباره حاکمان چطور فکر می‌کنند.

ایشان می‌فرمایند: اگر مردم نسبت به تو گمان ظلم ببرند و بگویند: مالک اشتر هم ظالم است و در حق ما ظلم می‌کند؛ عذر خودت را برای آن تصمیم آشکارا با مردم در میان بگذار. [اگر] این کار را بکنی، گمان آن‌ها را درست می‌کنی. [مردم می‌گویند: معلوم شد] که مالک هم انقلابی و محبوب و یار امیرالمؤمنین علیه السلام است. [پس] گمان آن‌ها را درست کن. مالک، وقتی جلسه بگذاری و برای مردم و نخبگان توضیح بدهی، این برای تو ریاضت است.

۱. از نامه ۵۳ نهج البلاغه؛ ترجمه: هرگاه رعیت بر تو بدگمان شد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان بده که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی به رعیت است. این پوزش‌خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد.





کار ساده‌ای نیست. سخت است: باید از این جلسه به آن جلسه [بروی] و حرف بزنی و حرف بشنوی. این مهربانی تو نسبت به [مردم] است. حضرت آقا ظَلَّهٗ مُلَّهٗ به دولت محترم فرمودند: با مردم صحبت کنید. مردم ما منطقی هستند.

## سه‌الگوی تصمیم‌گیری در سطح حاکمیت

این مسئله باید عمیق‌تر بررسی شود. در وادی حکمرانی سه مدل تصمیم‌گیری داریم:

۱. تصمیم‌گیری بین خوب و بد: خیلی ساده است. [وقتی سنت] بدی پایه‌گذاری شده است، دولتی [روی کار] می‌آید و [سنت] خوب را انتخاب می‌کند. این تصمیم‌گیری خیلی پیچیده نیست. همه مردم هم تشویق و همراهی می‌کنند.

۲. تصمیم‌گیری بین دو امر صلاح: [دولت] بین خوب و خوب، خوب‌تر را انتخاب می‌کند؛ مثلاً: بهتر است بودجه را برای جاده بگذاریم یا ورزشگاه بسازیم؟ ممکن است بگوید: الان در این منطقه ورزشگاه نیاز است یا جاده بهتر است. خیلی‌ها می‌گویند: این



[تصمیم‌گیری] هم ساده است.

۳. تصمیم‌گیری بین بد و بد: مشکل جایی است که حاکم یا مدیر باید بین بد و بد انتخاب کند و بگوید: این بد است، آن بدتر است.

هر دولتی، در هر شرایطی، به نسبت ۳۰ یا ۴۰ درصدی این سه مدل تصمیم‌گیری را دارد. دولت فخریه گذشته کاری کرده است که ۹۰ درصد تصمیمات دولت امروز ما باید بین بد و بد باشد. [برای مثال] ارز ۴۲۰۰ تومانی تعیین کرده است که [در نتیجه آن] دولت [کنونی] باید بین بد و بدتر انتخاب کند. این مین‌گذاری دولت قبل بوده است. کاری نکرده است که دولت بین خوب و بد یا خوب و خوب‌تر انتخاب کند.

افزایش قیمت ماکارانی بد است؛ چون خیلی از اقشار ضعیف نمی‌توانند گوشت مصرف کنند و به مشتقات آرد وابسته‌اند. دولت گذشته تاب‌آوری ملت را کم کرده و به آخر رسانده است. دولت [کنونی] در شرایط ایدئال تصمیم نمی‌گیرد. در این شرایط، [انتخاب] بد این است که تصمیم بگیرد افزایش قیمت ایجاد کند؛ [زیرا] اقشار ضعیف اذیت می‌شوند و در زندگی





دچار چالش‌های جدی می‌شوند.

بد دیگر این است که طبق آماري که می‌دهند، قاچاق آرد از کشور ما دوهزار برابر شده است. یعنی در شرایطی که قیمت گندم در دنیا چندین برابر شده است، باید با پول نفت گندم بخریم و به کارخانه‌های ماکارانی بدهیم که او ماکارانی درست کند. با ارز ۴۲۰۰ تومانی گرفته و با قیمت دلار بفروشد. بدین ترتیب کارخانه‌دار، واسطه‌ها و دلال‌ها سود می‌کنند: برای شیرینی‌فروشی خود، یک کیسه آرد را کمتر از چهل تومان می‌خرند و ششصد هزار تومان می‌فروشند.

درباره کالای استراتژیکی به نام گندم بحث می‌کنیم که اگر کمیاب شود، با چالش جدی مواجه می‌شویم. جنس تزئینی نیست که بگوییم نبود آن اهمیتی ندارد. وقتی بیرون کشور گران شود، کمیاب می‌شود. اگر ذخایر خود را حفظ نکنیم، دچار چالش می‌شویم. در این شرایط، دولت بین دو بد، افزایش قیمت و خروج سرمایه‌های کشور، باید یکی را انتخاب کند. دوراهکار داریم:

۱. برگشت به مدل اقتصاد مقاومتی: طبق فرمایش



حضرت آقا ظله عمل کنیم و مدل جهادی را پیاده کنیم که نتیجه بگیریم.

۲. برگشت به مسلخ سازش و تسلیم: عده‌ای که امروز سروصدا می‌کنند، الحمدلله بعد از هشت سال چشمانشان باز شده است. تخم کبوتر خورده‌اند که زبان‌هایشان باز شده و توانسته‌اند از لالی بیرون بیایند. این‌ها می‌خواهند دولت را به مسلخ تسلیم بکشند. بحث گندم نیست؛ [بلکه] می‌گویند: [اگر] می‌خواهید مسئله گندم حل شد، راهکار ما تسلیم است. چنان‌که گفتند: اگر می‌خواهید مسئله آب حل شود، راهکار تسلیم است.

عرض ما به دولت محترم انقلابی این است که در این شرایط باید تمهیدی کرد. دو تصمیم دارید که باید یکی را انتخاب کنید:

۱. چنان‌که امیرالمؤمنین ظله می‌فرماید: با مردم و نخبگان صحبت کنید و توضیح بدهید. نگذارید گمان آن‌ها بد شود.

۲. نسبت به کالاهای اساسی به قشر محروم اطمینان خاطر بدهید. قشر محروم ماهانه حدوداً میزان





مشخصی روغن، ماکارونی، برنج و... می‌خواهد. خیال مردم را راحت کنید و بگویید: نگران نباشید. این‌ها را با قیمت مناسب در اختیار شما می‌گذاریم. با پیشرفتی که امروز در فناوری اطلاعات اطلاعات داریم، این [کار] خیلی پیچیده نیست.

## خطاب به دل سوزان انقلاب اسلامی

نکته اول: امروز در رأس قوه مجریه یک مجتهد انقلابی، دغدغه‌مند و دل‌سوز [قرار دارد]. از دوستان حزب‌اللهی سؤال می‌کنم: آیا دل‌سوزی شما نسبت به فقرا بیشتر از ایشان است؟ اطرافیان ایشان می‌گویند: [ایشان] تعطیلات را فقط [فرستی برای] چند ساعت خواب می‌دانند. غیر از آن، چیزی به‌عنوان تعطیلات [ندارند]. کدام‌یک از ما تعطیلاتمان را تعطیل کردیم؟ مگر نه اینکه حضرت آقا گفتند: مردم هم باید متحول شوند!

ایشان یک سید انقلابی نورانی است که دل‌سوز محرومان است و تلاش می‌کند. مثل این است که مادری شب بیدار مانده، از بچه‌اش مراقبت کرده و



سختی کشیده است. بعد از چند ساعت، این مادر را نصیحت کنیم و بگوییم: نسبت به این بچه کمی دل سوز باش. حال آنکه او از ما دل سوزتر است. معنای بعضی از هیاهوها چیست؟ می‌خواهیم ایشان متوجه شود که ما فقیر داریم؟! چرا در قضاوت‌هایمان افراد را یکی می‌کنیم؟ کسی که اشرافی زندگی می‌کند، درد محرومان را نچشیده است. او را با کسی یکی می‌کنیم که دل سوز مردم است. این انصاف نیست که این دو تا را یکی کنیم. نکته دوم: از ابتدای این دولت هم همه ما می‌دانستیم که دولت نقاط قوت و نقاط ضعفی دارد. باید نقاط قوت را هم ببینیم. درباره نقاط ضعف، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: نصیحت [کنید]. نصیحت ائمه مسلمین یعنی خیرخواهی. بعضاً ادبیات ما خیرخواهانه نیست؛ ادبیات دشمنی است. در جمهوری اسلامی، در این جنگ ترکیبی که حضرت آقا ظله می‌فرمایند: جنگ احزاب است؛ قرارگاهی به نام «دولت جمهوری اسلامی» داریم که فرمانده آن هم رئیس دولت است. نقاط قوت و ضعفی





هم دارد. نمی‌خواهیم نقاط ضعف را بپوشانیم؛ اما جنگی است که پرچم اهل بیت علیهم‌السلام، شهدا و قاسم سلیمانی در دست ایشان است. عده‌ای وسط جنگ گردان‌ها را برمی‌گردانند و می‌گویند: توپخانه و همهٔ سلاح‌ها را به طرف این مقرر بگیرید.

انتقاد کنید و جلسه بگذارید؛ [اما] دشمن را روبه‌روی خود ببینید. چنان‌که در زمان جنگ، بچه‌های بسیج به قرارگاه می‌رفتند، با فرمانده‌ها صحبت می‌کردند و می‌گفتند: این تصمیم شما در این عملیات اشتباه بود. [اگر] تصمیم اشتباه گرفته است، اعلام کنید. چرا توپخانه را به سمت مقرر فرماندهی برمی‌گردانید؟!

این به‌معنای ندیدن ضعف‌ها نیست. برخی می‌گویند: می‌خواهند نقاط ضعف را توجیه کنند. این [حرف] مغالطه و جنگ روایت است. حضرت آقا نسبت به این موضوع تذکر دادند: ادبیات‌تان طوری نباشد که با دشمن مخرج مشترک بگیرید. چرا امروز وقتی ضدانقلاب جایی را نشانه می‌گیرد، دوستان حزب‌اللهی هم همان نقطه را می‌زنند؟ این ادبیات خیرخواهانه نیست؛ اعلام جنگ است.





حضرت آقا فرمودند: ما در یک پیچ تاریخی هستیم. قبلاً در نامه‌ای که به انجمن‌های اسلامی اروپا نوشتند، درباره آن صحبت شد. در این پیچ تاریخی و نبرد آخرالزمانی حضرت آقا عَلَيْهِ السَّلَام ایستاده است و می‌فرماید: ما به سمت آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی حرکت می‌کنیم. باید از پرچم انقلاب و جمهوری اسلامی حفاظت کنیم و کمک کنیم تا نقاط ضعف آن برطرف شود.

## دعای پایانی

خدایا! به ما توفیق سربازی مولایمان، حضرت حجت بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام را عنایت بفرما؛  
ما را در امتحانات آخرالزمان پیروز و موفق بگردان؛  
قلب نازنین حضرت حجت را از ما راضی بگردان؛  
بر عزت رهبر انقلاب عَلَيْهِ السَّلَام بیفزا؛  
بر توفیقات دولت انقلابی بیفزا؛  
بر توفیقات خدمت‌گزاران انقلابی بیفزا؛  
خدایا! به مریضان اسلام شفای عاجل عنایت بفرما.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾



